

بررسی تطبیقی حقوق بشردوستانه غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی

سیدمحمدصادق هاشمی شاهرودی^۱، مهرانوش میرزاامرجی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۸

چکیده:

حقوق بشر دوستانه مبتنی بر اصول و قواعدی است که متکفل محدود کردن بهره‌گیری از زور و خشونت در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی است. این اصول و قواعد از یک سو افراد غیرنظامی و همچنین نظامیانی را که درگیر جنگ در میدان نبرد نیستند، مورد حمایت قرار داده و از سوی دیگر محدودیت‌هایی را در بهره‌گیری از روش‌ها و سلاح‌ها در میدان جنگ و مخاصمه مقرر می‌دارد. حمایت از بیماران و زخمیان در جنگ، سرنشینان و نیروهای کشتی‌های حادثه دیده بر روی دریا، اسیران جنگی، قربانیان جنگ‌ها در مخاصمات بین‌المللی و غیربین‌المللی و حتی اموال فرهنگی از جمله موضوعاتی است که حقوق بشردوستانه بین‌المللی بر آن تصریح می‌کند. این مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی تطبیقی (اشتراک‌ها و تفاوت‌ها) حقوق بشردوستانه غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی به لحاظ ماهیت، منابع و قواعد می‌پردازد.

واژگان اصلی: حقوق بشردوستانه، غیرنظامیان، مخاصمات مسلحانه، بین‌المللی، غیربین‌المللی.

۱. عضو هیأت علمی گروه حقوق بین‌الملل، دانشگاه عدالت، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه عدالت، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۱- مقدمه

از گذشته تاکنون، جهان شاهد جنگ‌ها و آثار مخرب آن، به خصوص نسبت به افراد غیرنظامی بوده است. مخاصمات مسلحانه، همواره پیامدهای شومی را برای جوامع بشری به ارمغان آورده‌اند. یکی از شوم‌ترین این پیامدها از دست رفتن جان انسان‌های بی‌شمار در پی بروز هر مخاصمه مسلحانه می‌باشد. مسأله‌ای که تا چند قرن اخیر همواره با بی‌توجهی جوامع گوناگون مواجه بوده، بنابراین حمایت از افراد غیرنظامی امری بسیار ضروری و در عین حال مشکل است. حمایت از غیرنظامیان در زمان جنگ بخشی از حقوق بشردوستانه بین‌المللی و عرفی است که ضمن نظارت بر رفتار نیروهای متخاصم نسبت به غیرنظامیان، اختیار طرفین درگیر در جنگ را در استفاده از شیوه‌ها و ابزارهای نظامی محدود می‌نماید و از افرادی که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی متأثر شده یا ممکن است متأثر شوند، حمایت می‌کند. حقوق بشردوستانه بین‌المللی مجموعه‌ای از قوانینی است که به دنبال روش‌های بشردوستانه، برای محدود کردن اثرات مخاصمات مسلحانه می‌باشد. این شاخه از حقوق از افرادی که در مخاصمه مشارکت ندارند یا در حال حاضر از جنگیدن کناره‌گیری کرده‌اند، محافظت کرده و روش‌های مخاصمه را محدود می‌کند (: 2001 assòli, Bouvier, Quintin, 93). به عبارت دیگر، می‌کوشد که با وضع مقرراتی از خشونت بی‌اندازه در جنگ‌ها جلوگیری کند. برای رسیدن به این منظور حقوق بشردوستانه حق دولت‌ها را در استفاده از سلاح‌ها و روش‌ها محدود و از قربانیان درگیری‌های مسلحانه حمایت می‌کند.

ایده حمایت از بیماران، زخمیان، اسیران و غیر نظامیان در جنگ، ایده‌ای است که از دیرباز در ذهن بسیاری از انسان دوستان، مصلحان و رهبران فکری و دینی وجود داشته است. در دوره معاصر از هنری دونانت سوئسی به عنوان پیشتاز راه‌اندازی اقدامات بین‌المللی در این زمینه می‌توان نام برد که در سال ۱۸۵۹ در جنگ معروف سولفرینو ایده اقدامات بین‌المللی برای کاستن از درد و رنج بیماران و زخمیان در جنگ در ذهن او شکل گرفت. دونانت به همراه چهار تن از دوستانش کمیته بین‌المللی حمایت از زخمیان را که خیلی زود به عنوان صلیب سرخ جهانی تغییر نام داد، پایه‌گذاری کرد. در سال ۱۸۶۴ نمایندگان شانزده کشور اروپایی «کنوانسیون بهبود وضعیت زخمی‌های میدان جنگ» را تصویب کردند. این سند که از آن در زمینه حقوق بشر

دوستانه به عنوان اولین کنوانسیون ژنو نام برده می‌شود، متضمن اصول جهانشمول و بردبارانه در زمینه‌های مربوط به نژاد، تابعیت و مذهب است. می‌توان گفت پایه‌های اولیه حقوق بشر دوستانه معاصر در این کنوانسیون ترسیم شده است. چهار سال بعد در سال ۱۸۶۸ پیش‌نویس کنوانسیون جدیدی در راستای توسعه اصول مذکور در کنوانسیون ۱۸۶۴ ژنو تدوین شد. در حرکتی دیگر اعلامیه سن پترزبورگ از کشورها می‌خواهد از بکارگیری سلاح‌هایی که موجب درد و رنج‌های غیرضروری می‌گردد، خودداری نماید. از کنفرانس‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه که محصول آنها کنوانسیون‌هایی در جهت تبیین حقوق و مقررات جنگ همچنین عرف‌هایی در جهت منع اقداماتی از قبیل بمباران شهرهای بی‌دفاع و منع استفاده از گازهای سمی بود، می‌توان به عنوان گام‌های مهمی در توسعه و تحول حقوق بشر دوستانه نوین نام برد. در ۱۹۰۴ کنوانسیون اول ژنو مورد بازبینی قرار گرفت و در این بازنگری اقداماتی در جهت حمایت از قربانیان جنگ زمینی پیش بینی گردید. همچنین یک سال بعد مقرراتی در جهت حمایت از قربانیان جنگ در دریا به کنوانسیون مزبور اضافه شد. در ۱۹۰۶ کنوانسیون دوم در ژنو نشست برگزار و در مفاد کنفرانس ۱۸۶۴ تجدید نظر شد و جمعیت‌های کمک‌رسانی و خیریه‌هایی که کمک‌های پزشکی می‌رسانند دعوت به همکاری شدند. در سال ۱۹۲۹ طی کنفرانسی در ژنو کنوانسیون با مقررات مؤثرتری نسبت به بیماران و زخمی‌ها به تصویب رسید. نقطه عطف حقوق بشر دوستانه معاصر را می‌توان کنفرانس بین‌المللی دیپلماتیکی دانست که از آوریل تا اوت ۱۹۴۹ در ژنو برگزار شد و چهار کنوانسیون معروف ژنو در دوازدهم اوت به تصویب رسید. کنوانسیون اول ژنو برای بهبود شرایط زخمی‌ها و بیماران نظامی در میدان جنگ؛ کنوانسیون دوم ژنو برای بهبود شرایط زخمی‌ها و بیماران و سرنشینان عضو نیروهای مسلح در دریا؛ کنوانسیون سوم ژنو مربوط به رفتار با اسیران جنگی؛ و کنوانسیون چهارم ژنو مربوط به حمایت از غیر نظامیان در زمان جنگ (سیدفاطمی، ۱۳۸۹: ۱۲).

نکته مهم و قابل توجه و در عین حال ابتکاری تمام این کنوانسیون‌ها، پیش‌بینی حداقل قواعد حمایتی است که در مداخلات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی نیز باید مورد توجه قرار گیرند. کنوانسیون چهارگانه ژنو از اسناد لازم الاجرای هستند که هنوز هم از مهمترین اسناد بین‌المللی حقوق بشر دوستانه به شمار می‌روند.

۲. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

۲.۱. پیشینه تحقیق

محمدرضایی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله «رویکرد حقوق بشر و حقوق بشردوستانه برای حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و تبیین جامعه‌شناختی آن» اشاره می‌کنند توجه به قواعد و مقررات حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در راستای حمایت از کرامت انسانی در زمان مخاصمات مسلحانه الزامی بوده و این دو نهاد حقوقی به صورت مکمل عمل می‌نمایند.

توپچی (۱۳۹۴) در کتاب «حقوق جنگ و مخاصمات مسلحانه» معتقدست با وجود همه اقدامات بشردوستانه صورت گرفته، جامعه بین‌المللی شاهد تحولات نگران‌کننده‌ای در حوزه مخاصمات مسلحانه است. پدیده شورشیان مورد توجه حقوق بین‌الملل در اثر تحولات جهانی به صورت گروه‌های تروریستی و فاقد هویت ملی بروز کرده و در نتیجه صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره انداخته است که این امر نیازمند تأملات بیشتر و چاره‌اندیشی حقوق است.

اقبالی (۱۳۸۸) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «تحولات اخیر در اصل تفکیک بین رزمندگان و غیرنظامیان در حقوق مخاصمات مسلحانه» می‌نویسد یکی از مهمترین مواردی که سعی در روشن سازی آن گردیده است، وضعیتی می‌باشد که در آن غیرنظامیان در درگیری وارده شده و به نفع یکی از طرفین درگیر در مخاصمه شرکت نمایند. به موجب اصل تفکیک، رزمندگان طرفین درگیر در مخاصمه از هدف قراردادن غیرنظامیان فاقد هر گونه نقش مستقیمی در مخاصمه و در نتیجه بی‌خطر برای طرفین مخاصمه هستند.

ضیایی بیگدلی (۱۳۸۳) در مقاله «نگرشی بر مسئولیت بین‌المللی ناشی از نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه» معتقدست مسئولیت بین‌المللی اشکال گوناگونی دارد که در اساس می‌توان آن را به دو صورت مطرح نمود؛ یکی مسئولیت غیرکیفری که خاص کشورها و سازمان‌های بین‌المللی است و دیگری مسئولیت کیفری که خاص اشخاص حقیقی می‌باشد لیکن چنین تفکیک که به ماهیت مسئولیت بین‌المللی مربوط می‌شود، در مقابل نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، بویژه در مناسبات متقابل آنها، شکل خاصی به خود می‌گیرد.

کولب و هاید (۲۰۱۵) در کتاب «درآمدی بر حقوق مخاصمات مسلحانه» اشاره می‌کند احتمالاً حقوق مخاصمات مسلحانه به طور خاص تاکنون مورد نقض‌های متعددی واقع شده است زیرا این حقوق، منافع عالی دولت‌ها را در خطر قرار می‌دهد و زمانی که جنگ بر سر بقایای دولت‌ها مطرح

است، آنها تمایلی به پذیرش محدودیت‌های تحمیل شده بوسیله قواعد حقوقی ندارند. بنابراین باید نقاط ضعف اجرای حقوق مخاصمات مسلحانه و نیز سازوکارهای تضمین رعایت و مجازات نقض آن توسط دولت‌ها را بشناسیم.

راجرز و مالرب (۲۰۰۳) در فصل پانزدهم کتاب «قواعد کاربردی حقوق مخاصمات مسلحانه» به حمایت از جمعیت غیرنظامی در کشورهای درگیر در مخاصمه از جمله؛ نحوه رفتار با سکنه، زنان، کودکان، تدارکات امدادی، اشخاص حمایت شده، اتباع دشمن اشاره می‌کند که مقررات این فصل باید از سوی نیروهای مسلح دولت‌های متخاصم در ارتباط با سکنه غیرنظامی رعایت گردد.

۲.۲. مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی

۲.۲.۱. مخاصمات مسلحانه بین‌المللی

حقوق بین‌الملل بشردوستانه به دنبال این است که طرفین مخاصمه را ملزم نماید تا بین نظامیان و غیر نظامیان تفکیک قائل شود. اصل ایجاد تفکیک بین افراد غیر نظامی و رزمندگان، نخستین بار در اعلامیه سن پترزبورگ سال ۱۸۶۸ وضع شد و این اصل اظهار می‌دارد که «تنها هدف قانونی که دولت‌ها حین جنگ باید تلاش کنند بدان دست یابند آن است که قوای نظامی دشمن را تضعیف کنند». اصل تفکیک در مواد ۴۸ و ۵۱ و ۵۲ از پروتکل اول الحاقی سال ۱۹۷۷ تدوین گردیده و اعمال هیچ‌گونه حق شرطی در مورد آنها پذیرفته نشده است (عزیزی، ۱۳۹۲: ۸۸-۸۹). در ماده ۴۸ صریحاً ضرورت تفکیک و تمایز اهداف نظامی و غیر نظامی و نظامیان از غیر نظامیان و رعایت احترام و حمایت از افراد غیرنظامی مورد تأکید قرار گرفته است. این قاعده قبلاً در قطعنامه مؤسسه حقوق بین‌المللی مورخ ۹ سپتامبر ۱۹۶۹ و در قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد شماره ۲۶۷۸، مورخ ۹ سپتامبر ۱۹۷۰ به عنوان یک عرف بیان شده بود. مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز در بیست و پنجمین اجلاس خود در ۹ سپتامبر ۱۹۷۰، قطعنامه شماره ۱۳۷۵ خود درباره اصول اساسی حمایت از جمعیت غیرنظامی در مخاصمات مسلحانه تصویب کرد. به موجب بند ۶ ماده ۵۱ پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ «حمله به سکنه غیر نظامی یا غیرنظامیان به عنوان اقدام تلافی جویانه ممنوع است». حتی اصل ضرورت نظامی نیز چنین اقدامی را توجیه نمی‌کند. لیکن در گذشته، در مقررات بین‌المللی و رویه دولت‌ها، موارد فراوانی از موارد دستیازی دولت‌ها به اقدامات تلافی جویانه دیده می‌شود (رحیمی، ۱۳۹۵: ۱۶۴).

پروتکل مورخ ۱۷ ژوئن ۱۹۲۵ ژنو مهمترین سند بین‌المللی در زمینه منع استعمال سلاح‌های

شیمیایی و حتی میکروبی است که از سال ۱۹۲۸ اجرا شد. مفاد این پروتکل که در واقع یک معاهده بین‌المللی مستقل است، تقریباً همان مقررات ۱۹۲۲ واشنگتن است. در این پروتکل که بیش از ۱۴۰ کشور جهان آن را امضا کرده‌اند، بکارگیری سلاح‌های شیمیایی در جنگ‌ها، بدون قید و شرط ممنوع شده است. مضمون این پروتکل ممنوعیت مطلق کاربرد سلاح‌های شیمیایی و توسل به این سلاح مرگ‌زا را تحت هر شرایطی در بر می‌گیرد؛ اما واقعیت این است که کشورها پس از جنگ جهانی دوم بارها این پروتکل را نقض کرده‌اند (پورمحمدی، ۱۳۸۵: ۱۴۵-۱۴۴). کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های مربوط به ممنوعیت کاربرد سلاح‌های شیمیایی به گونه‌ای عبارت‌پردازی شده است که خود، بر عرفی بودن چنین ممنوعیتی دلالت دارد.

قطعه‌نامه ۵ سپتامبر ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل تأکید کرد که پروتکل ژنو ۱۹۲۵ مشتمل بر ممنوعیت عامی است که تمامی کشورها را صرف‌نظر از عضویت یا الحاقشان بر آن معاهده ملزم می‌کند. ممنوع کردن کاربرد سلاح‌هایی که در جنگ جراحات‌های شدیدی ایجاد می‌کنند، از اواخر قرن نوزدهم به عرصه حقوق بین‌الملل قراردادی راه یافت (پورمحمدی، ۱۳۸۵: ۱۴۷). در ماده ۲۲ مقررات لاهه ۱۹۰۷-۱۸۹۹ و تقریباً به صورت مشابه در بند یک ماده ۳۵ پروتکل الحاقی سال ۱۹۷۷ منضم به کنوانسیون‌های چهارگانه اوت ۱۹۴۹ ژنو آمده است که در هر مخاصمه مسلحانه‌ای حق طرف‌ها در انتخاب روش‌ها و یا وسایل جنگ نامحدود نیست (پورمحمدی، ۱۳۸۵: ۲۰۰-۲۰۱).

قوانین حاکم بر رفتار اسیران جنگی یکی از جنبه‌های بارز حقوق بین‌الملل بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی است که نسبت به دیگر مقررات مربوط به مخاصمات، قدرت اجرایی بیشتری دارد و در مقررات کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو به آن پرداخته شده است. طبق این مقررات، در زمان جنگ، سربازان زخمی و اسیران جنگی باید تحت حمایت قرار گیرند و طرف‌های درگیر جنگ حق بدرفتاری با آنها را ندارند (پورمحمدی، ۱۳۸۵: ۹۴). حقوق حاکم بر رفتار اسیران جنگی تا قبل از اعلامیه ۱۸۷۴ بروکسل و عهدنامه‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه عمدتاً مبتنی بر عرف بود؛ اما امروزه عهدنامه‌های بین‌المللی در این مورد نقشی اساسی دارند که مهمترین آنها را می‌توان عهدنامه سوم ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ دانست. طبق مقررات مذکور اصولاً برخورداری از وضعیت اسیران جنگی، از لحظه اسارت تا پایان آن است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۶۶: ۱۸۰). عهدنامه سوم ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ در مورد رفتار با اسیران جنگی می‌باشد. این عهدنامه ضمن تأیید مقررات ۱۹۰۷ لاهه و عهدنامه ۱۹۲۹ ژنو، آنها را مورد تجدید نظر قرار داده و تکمیل نموده (پورمحمدی، ۱۳۸۵: ۱۰۴).

همچنین مواد ۱۲ و ۱۴ قرارداد نخست، مواد ۱۲ و ۱۶ قرارداد دوم ژنو و ماده ۴۴ پروتکل نخست منضم به کنوانسیون‌های ژنو چنین مقرر کرده‌اند: «دولت‌های متحارب در صورت به اسارت گرفتن مجروحان، بیماران و... نیروهای مسلح دشمن باید از آنها مانند مجروحان خود مراقبت کنند» (پورمحمدی، ۱۳۸۵: ۱۰۵). اسارت یکی از نتایج اجتناب ناپذیر جنگ است و هدف از اسیر کردن افراد رزمنده، جلوگیری از مشارکت مجدد آنها در جنگ می‌باشد. لیکن مقررات بین‌المللی کنترل اسیران جنگی را طبق میل دولت بازداشت کننده، جایز نمی‌شمرد. از بین مسئولیت‌هایی که دولت بازداشت کننده در قبال اسیران جنگی دارد، رفتار انسانی با آنها مهمترین مسئولیت است.

۲،۲،۲. مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی

در حال حاضر، درگیری مسلحانه بین دولت به ندرت اتفاق می‌افتد و بیشتر درگیری‌ها از نوع مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی است که در قلمرو داخلی دولت‌ها روی می‌دهند. ماده ۳ مشترک کنوانسیون چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و مکمل آن پروتکل الحاقی شماره ۲ به کنوانسیون‌های ژنو در سال ۱۹۷۷ در مورد مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی هستند. تعریف مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی مطابق ماده ۳ مذکور بدین صورت است که چنین مخاصماتی ویژگی بین‌المللی ندارند و در قلمرو یک دولت میان نیروهای مسلح حکومتی، گروه‌های مسلح غیر بین‌المللی مطابق با ماده ۱ پروتکل الحاقی شماره ۲ همراه با تحقق شرایطی است و گروه‌های مسلح مخالف بایستی این شرایط را دارا باشند. شرایط مذکور عبارتند از برخورداری از نیروهای مسلح سازمان یافته و دارا بودن یک فرمانده مسئول و نیز کنترل بخشی از قلمرو کشور تا مجموع اینها موجب عملیات نظامی مداوم و مجتمع و اجرای پروتکل حاضر گردد (کنعانی و سیاه رستمی، ۱۳۸۵: ۹).

نبود تعریفی واحد از مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی نتیجه می‌دهد که مقررات ماده ۳ مشترک در موقعیت‌هایی هم به اجرا گذارده شود که شاید آن موقعیت‌ها واجد وصف مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی نباشد. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ بر همین اساس معتقد است که ماده ۳ مشترک در موقعیت‌های آشوب و بحران‌های داخلی هم قابل اجراست. طبق ماده یک پروتکل دوم، یک مخاصمه غیر بین‌المللی (داخلی) باید دو شرط را همزمان داشته باشد: نخست اینکه نیروی مخالف بر بخشی از سرزمین مسلط شده باشد؛ و دوم آنکه این نیروی مخالف قادر به اجرای پروتکل باشد. در عمل، دولت‌ها از پذیرفتن ماده یک خودداری می‌کنند چون پذیرفتن این ماده، اعترافی است از سوی دولت مبنی بر پیروزی شورشیان و کنترل بخشی از قلمرو کشور توسط آنان. تا زمانی که دو

شرط «کنترل بر بخشی از سرزمین» و «امکان اجرای مفاد پروتکل دوم» محقق نشده است، مقررات ماده ۳ مشترک قابل اجراست.

دادگاه یوگسلاوی سابق در رأی تادیچ (۲ اکتبر ۱۹۹۵) اعلام می‌کند هر زمان که یک مخاصمه مسلحانه طولانی میان نیروهای حکومت و گروه‌های مسلح سازمان یافته یا بین خود این گروه‌ها در قلمروی دولت استمرار بیابد، یک مخاصمه داخلی صورت پذیرفته است. در این تعریف، دو نوع مخاصمه‌ای که در پروتکل دوم گنجانده نشده بود ذکر گردیده‌اند: مخاصمات داخلی که قوای حکومتی موفق به سرکوب سریع شورشیان نمی‌شوند و سرزمینی توسط شورشیان تصرف نمی‌شود و نیز مخاصماتی که در آنها طرف دولتی وجود ندارد و درگیری‌ها میان چند گروه مخالف با هم اتفاق افتاده است.

بنابراین، به موجب ماده ۳ مشترک کنوانسیون چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو، بند ۲ ماده ۴ پروتکل الحاقی دوم کنوانسیون‌های ژنو و قواعد عرفی بین‌المللی، قواعد زیر از جمله مصادیق حقوق بشردوستانه است که در مخاصمات مسلحانه داخلی قابل اجرا می‌باشد. تخطی از این دسته قواعد ممنوع بوده و نقض صریح حقوق بشردوستانه محسوب می‌شود:

(الف) اعمال خشونت نسبت به حیات شخص، به ویژه قتل از هر نوع آن، قطع اعضای بدن و نیز رفتار بی‌رحمانه از قبیل شکنجه و یا کلیه اشکال مجازات بدنی.

(ب) تجاوز بر حیثیت شخص، به ویژه رفتار اهانت بار و تحقیر آمیز، تجاوز جنسی، واداشتن به فحشا و کلیه اشکال تجاوز منافی عفت.

(ج) گروگان‌گیری، اقدامات دهشت‌افگنی (تروریستی)، مجازات‌های جمعی، برده‌داری و کلیه اشکال تجارت برده.

(د) تاراج، غارت شهر یا محلی، گرچه غلبه بر آن با زور صورت گرفته باشد.

(ح) صدور دستور جابه‌جایی اهالی غیرنظامی به دلایل مربوط به نزاع.

(و) تخریب یا ضبط اموال و ملکیت عمومی و خصوصی و تخریب و ضبط اموال و ملکیت طرف مقابل.»

علاوه بر قواعد پیش گفته، هدف قرارداد غیرنظامیان و اموال و اماکن غیرنظامی، مبتنی بر اصل تفکیک و تمایز بین رزمندگان و غیررزمندگان، ممنوع است. «طرفین درگیر همواره باید بین افراد غیرنظامی و رزمندگان تفکیک قائل شوند و حملات نباید متوجه افراد و اموال غیرنظامی باشد.» یعنی

هم حمله به محل‌ها یا نقاطی که افراد غیرنظامی در آن حضور دارند و هم هدف‌گیری اموال و اشیای غیرنظامی، ممنوع است (Vorhoeven, 2007: 16-18).

۲،۳. منابع حقوق بشردوستانه مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی

۱،۳،۲. منابع حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی

- عرف: با توجه به پیشینه طولانی پدیده جنگ میان کشورها، منابع عرفی حقوق مخاصمات به لحاظ وسعت، دامنه و تاریخ، مقدم بر سایر منابع بوده و علاوه بر آن جنبه تکمیلی خود را تا زمان حاضر نیز حفظ نموده است به نحوی که در مواقع سکوت یا ابهام سایر منابع حقوق مخاصمات، قواعد و مقررات عرفی در این خصوص راهگشا خواهد بود. عهدنامه‌های لاهه صراحتاً مقررات مربوط به مخاصمات را به حقوق عرفی جنگ ارجاع می‌دهند. طبق شرط معروف «مارتنس» برای تکمیل قواعد نوشته شده، قواعد عرفی منبع سرشاری در حقوق جنگ محسوب شده و می‌توانند کمبودهای موجود در حقوق قراردادی را تکمیل نمایند.

- اصول کلی حقوقی: اصول کلی حقوقی در واقع فلسفه ایجاد مقررات نوشته و نانوشته حقوق مخاصمات می‌باشد. شاید این اصول و ارزش‌ها به صورت مستقل قابل استناد نباشند لیکن انعکاس همین اصول و ارزش‌هاست که عرف و قراردادهای حقوق جنگ را دارای حدود و ثغور می‌نماید. از جمله این اصول، «اصل حسن نیت» است که پایه و اساس روابط بین‌المللی و زیربنای حقوق جنگ محسوب می‌شود.

- قراردادهای بین‌المللی: قراردادهای از جمله منابع عمده مقررات حقوق مخاصمات هستند و بخش اعظم این مقررات به صورت حقوق قراردادی و مدون می‌باشند. این قراردادهای را می‌توان به ترتیب تاریخ انعقاد به شرح ذیل برشمرد: اعلامیه پاریس مورخ ۱۶ آوریل ۱۸۵۶ در زمینه قواعد جنگ دریایی؛ عهدنامه ژنو مورخ ۲۲ اوت ۱۸۶۴ مربوط به حمایت از مجروحان، بیماران جنگی و کارکنان بهداری؛ اعلامیه سن پترزبورگ مورخ ۲۹ نوامبر ۱۸۶۸ در مورد ممنوعیت استفاده از گلوله-های انفجاری کالیبر کوچک؛ اعلامیه نهایی کنفرانس بروکسل مورخ ۱۸۷۴ درباره مقررات و رسوم جنگ؛ عهدنامه‌های لاهه مورخ ۲۹ ژوئیه ۱۸۹۹ مشتمل بر دو قرارداد و سه اعلامیه در زمینه حقوق جنگ؛ عهدنامه ۱۹۰۴ لاهه در مورد مصونیت کشتی‌های بیمارستانی؛ عهدنامه ۶ ژوئیه ۱۹۰۶ در مورد حمایت از بیماران و مجروحان جنگی؛ عهدنامه‌های لاهه مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷؛ عهدنامه واشنگتن مورخ ۶ فوریه ۱۹۲۲ در زمینه منع استعمال گازهای خفقتان‌آور، سمی یا مشابه آنها و نیز مواد

میکروبی؛ عهدنامه ژنو مورخ ۲۷ ژوئیه ۱۹۲۹ در مورد رفتار با مجروحان یا بیماران و سرنوشت اسیران جنگی؛ پروتکل لندن مورخ ۲۲ آوریل ۱۹۳۰ مربوط به قواعد جنگ دریایی؛ قرارداد مورخ ۱۹۳۵ در زمینه حفاظت از بناهای تاریخی، مراکز علمی و هنری در زمان جنگ؛ پروتکل لندن مورخ ۶ نوامبر ۱۹۳۶ در زمینه ممنوعیت حمله به کشتی‌های بازرگانی توسط زیر دریایی‌ها؛ کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹؛ (نزدیک به ۱۹۰ دولت به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ملحق شده‌اند اما کنوانسیون‌های مزبور از این حد فراتر رفته و علاوه بر آن که به لحاظ قراردادی دولت‌ها را به هم پیوند می‌دهند، به لحاظ محتوا، بیان‌کننده حقوق بین‌الملل عرفی نیز هستند)؛ قرارداد لاهه مورخ ۱۴ می ۱۹۵۴ در زمینه میراث فرهنگی در زمان جنگ؛ پروتکل اول ژنو مورخ ۱۰ ژوئن ۱۹۷۷؛ قرارداد ۱۹۷۷ در زمینه منع استفاده خصمانه از تکنیک‌های تغییر محیط زیست طبیعی؛ عهدنامه مورخ ۱۰ آوریل ۱۹۸۱ در مورد منع یا محدودیت استفاده از برخی سلاح‌های کلاسیک با تخریب بالا؛ و قراردادهای مربوط به منع یا تحدید سلاح‌های هسته‌ای (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۰: ۸۱-۷۸).

۲،۳،۲. منابع حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی

- تأکید بر عرفی بودن برخی مقررات حقوق مخاصمات غیر بین‌المللی در آرای قضایی و

مشورتی بین‌المللی:

رای معروف ۲ اکتبر ۱۹۹۵ دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق اعلام می‌دارد که تفکیک بین گونه‌های مختلف مخاصمات مسلحانه، ارزش و اعتبار ماهیتی ندارد و با توجه به اینکه هر نظام حقوقی به منظور انتفاع انسان‌ها ایجاد شده است رهیافت «حاکمیت محور» به تدریج جای خود را به رهیافتی مبتنی بر «حقوق بشر» داده است. لذا دادگاه یوگسلاوی به این نتیجه می‌رسد که آنچه که غیرانسانی است و در نتیجه انجام آن در مخاصمات بین‌المللی ممنوع می‌شود ممکن نیست در مخاصمات داخلی، عملی انسانی و پذیرفتنی به حساب آید (N.U, 1969: 20-27). این رهیافت جدید در دادگاه یوگسلاوی امری بود که در زمان تدوین ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مورد لحاظ قرار نگرفته بود. در ماده ۳ مشترک به جای آنکه از مفاد اعلامیه‌های حقوق بشر (حقوق عرفی) الهام گرفته شود، برای حمایت از قربانیان مخاصمات داخلی به حقوق بشردوستانه تکیه زده شد و آن هم تنها به بخشی از آن مانند «منع گروگانگیری» (به پیروی از ماده ۳۴ کنوانسیون چهارم ژنو در خصوص حمایت از غیرنظامیان در زمان جنگ و یا تعهد به جمع‌آوری بیماران و زخم‌داران و مراقبت پزشکی از آنان به تبعیت از ماده ۴۰ کنوانسیون دوم ژنو) استناد گردید. باتوجه به این نقیصه،

کشورها در کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر در سال ۱۳۴۷ (۱۹۶۸) در تهران، رسماً در قطعنامه ۲۳ با عنوان رعایت حقوق بشر در حین مخاصمات مسلحانه» (بدون قائل شدن تفاوت بین مخاصمات بین‌المللی و غیربین‌المللی) حقوق بین‌الملل بشردوستانه را دنبال حقوق بشر دانستند. در این قطعنامه، اصول حقوق بشری را که در زمان مخاصمات باید رعایت شود بدون هیچ تفاوتی بین انواع مخاصمات، لازم‌الاجرا دانستند. به همین ترتیب مجمع عمومی، قطعنامه ۲۶۷۵ مورخ ۱۹۷۰ با عنوان «اصول بنیادین مربوط به حمایت از جمعیت غیر نظامی در زمان مخاصمات مسلحانه» را با اکثریت آرا تصویب کرد. از جمله اصول این قطعنامه عبارت است از اینکه «حقوق بنیادین بشر، آن گونه که در حقوق بین‌الملل مقرر و در اسناد بین‌المللی بیان شده‌اند، در زمان مخاصمات مسلحانه همچنان قابل اجراست. بر اساس این قطعنامه، در هدایت عملیات جنگی همواره بین نظامیان و غیرنظامیان تفاوت وجود داشته و امکانه و دیگر تأسیسات غیرنظامی، هدف قرار نمی‌گیرند و... این اصول بخشی از حقوق عرفی مخاصمات مسلحانه بوده و مجمع با تبعیت از همان دیدگاه حقوق بشری، تمایزی بین مخاصمات بین‌المللی و غیر بین‌المللی قائل نشده است. تأثیر این دیدگاه را می‌توان در مقدمه پروتکل دوم الحاقی نیز ملاحظه کرد. شرکت کنندگان در کنفرانس دیپلماتیک (۱۹۷۷-۱۹۷۴) تحت تأثیر این اندیشه، در مقدمه پروتکل دوم الحاقی می‌نویسند: «با یادآوری اینکه اسناد بین‌المللی مربوط به حقوق بشر، انسان را مشمول حمایتی اساسی قرار می‌دهد...» رعایت این قبیل حقوق که همان حقوق بنیادین خوانده می‌شوند بنابر مواد ۴ و ۶ پروتکل دوم الحاقی ۱۹۷۷ در مخاصمات غیر بین‌المللی نیز الزامی است. همچنین ماده ۴ پروتکل مزبور با عنوان «تضمین های اساسی» که مکمل ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو است و نیز ماده ۶، متضمن تضمینات قضایی در رسیدگی به جرایم مربوط به مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی بر میثاق حقوق مدنی و سیاسی مبتنی است. رأی مشورتی ICJ مورخ ۱۹۹۶ در پاسخ به سؤال مجمع عمومی راجع به مشروعیت تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای، نیز مؤید این نکته است که برخی از موازین حقوق بین‌المللی به لحاظ دارا بودن جنبه بنیادین و عام، قابل تعلیق و یا انحصار در بخشی خاص از مخاصمات نبوده و در همه موارد الزام‌آور می‌باشند. دیوان در این رأی مشورتی اعلام می‌دارد: حمایت‌های مقرر در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، در زمان جنگ از اجرا باز نمی‌مانند. منظور دیوان این بود که چون براساس ماده ۶ میثاق، حق حیات از حقوق ذاتی شخص انسان است و این حق باید به موجب قانون حمایت شود، بکارگیری سلاح هسته‌ای، تهدیدی بر این حق بنیادین است. دیوان در این رأی، با رد نظر کشورهای

که می‌گفتند ماده ۶ میثاق مربوط است به زمان صلح و ربطی به موضوع مخاصمات ندارد، استدلال کرد که حق محرومن شدن از حیات به صورت خودسرانه در زمان مخاصمات (اعم از بین‌المللی و غیر بین‌المللی) نیز حقی معتبر و خدشه‌ناپذیر است. پیش از این، دیوان در قضیه کورفو، تعهد دولت-ها به رعایت حقوق بنیادین بشری را نه مبتنی بر عهدنامه‌های بین‌المللی که بر پایه ملاحظات ابتدایی انسانی لازم دانسته بود. در قضیه بارسلونا تراکشن نیز ضمن تفاوت قائل شدن بین تعهدات یک دولت در قبال کل جامعه بین‌الملل و تعهدات در مقابل تنها یک دولت، تعهدات ناشی از قواعد مربوط به حقوق بنیادین بشری را جزو تعهدات در برابر کل جامعه بین‌الملل دانست.

- تأکید بر عرفی بودن برخی مقررات حقوق مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی در عملکرد

سازمان‌های بین‌المللی:

دعوت مجمع عمومی از کشورهای مختلف جهت برگزاری کنفرانس بین‌المللی در سال ۱۹۶۸ در تهران اولین اقدام در راستای توجه خاص مجمع عمومی به حقوق بشردوستانه بود. در قطعنامه این کنفرانس از دبیرکل خواسته شد تا مطالعه‌ای درباره چگونگی اعمال حمایتی مؤثرتر از بلادیدگان مخاصمات مسلحانه تهیه کند. دبیرکل در گزارش خود با عنوان «رعایت حقوق بشر در مخاصمات مسلحانه» پیشنهاد تدوین معاهده‌ای جدید در خصوص مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی را ارائه کرد. در گزارش بعدی، دبیرکل پیشنهاد کرد برای تقویت حمایت بشردوستانه در مخاصمات غیر بین‌المللی، قواعد مربوط به مخاصمات بین‌المللی به مخاصمات غیر بین‌المللی نیز تسری یابد. علاوه بر این خود مجمع در قطعنامه ۲۴۴۴ عنوان «رعایت حقوق بشر در زمان مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی» را تصویب کرده بود. هم در این قطعنامه و هم در قطعنامه‌های مشابه بعدی، مجمع تأکید کرد که اجرای قواعد اصلی حقوق بشردوستانه محدود به مخاصمات مسلحانه بین‌المللی نمی‌شود. سه اصل در قطعنامه ۲۴۴۴ بیان شده است: حق ضربه زدن در مخاصمات مسلحانه نامحدود نیست، لزوم رعایت اصل تفکیک در مخاصمات مسلحانه، و ممنوعیت حمله به غیر نظامیان. با توجه به اینکه این سه اصل در خصوص مخاصمات بین‌المللی از قبل هم وجود داشت (در اصول اعلامی در کنفرانس بیستم ICRC مورخ ۱۹۶۵) لذا می‌توان این گونه استنباط کرد که ذکر این اصول در قطعنامه ۲۴۴۴، صراحت شمول این اصول به مخاصمات غیر بین‌المللی است. شایان ذکر اینکه در کنفرانس بیستم کمیته صلیب سرخ مورخ ۱۹۶۵، سه اصل مذکور به عنوان اصول لازم‌الاجرا در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی ذکر گردیده‌اند. قطعنامه ۲۴۴۴ مجمع عمومی را یکی از مبانی

مستحکم قواعد مربوط به هدایت عملیات جنگی در مخاصمات داخلی دانست. در خصوص اقدامات شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد مخاصمات غیر بین‌المللی با توجه به اختیارات اعطا شده به این شورا در ماده ۳۹ منشور ملل متحد که بر اساس آن مسئولیت اولیه احراز تهدید صلح بین‌المللی برعهده این شورا است، از آغاز دهه ۱۹۹۰، شورای امنیت با قرائتی جدید از فصل هفتم منشور و تفسیری موسع از مفهوم تهدید صلح بین‌المللی، نه فقط جنگ را بلکه عوامل دیگری را نیز که جنبه نظامی ندارند، تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی می‌داند و لذا نقش شورا در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی و آثار آن نیز مطرح شد و مخاصمات غیر بین‌المللی نیز تهدیدکننده صلح بین‌المللی محسوب گردید. بر اساس این منطق، شورای امنیت در مقام اجرای فصل هفتم منشور، قطعنامه ۸۰۸ مورخ ۱۹۹۳ مبنی بر تشکیل دادگاه بین‌المللی جهت تعقیب اشخاص مسئول نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه در یوگسلاوی سابق از ۱۹۹۱ به بعد را صادر نمود. همچنین با تصویب قطعنامه ۹۵۵ مورخ ۱۹۹۴ دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا تأسیس گردید و با قطعنامه ۱۳۱۵ سال ۲۰۰۰ دادگاه سیرالئون تشکیل شد. شایان ذکر اینکه که با فعالیت‌های این دادگاه‌ها، حقوق بین‌الملل عرفی حاکم بر مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی شناسانده شد. به ویژه در رأی مربوط به پرونده تادیچ در سال ۱۹۹۵، علاوه بر روشن شدن قواعد بین‌المللی عرفی ناظر بر حقوق مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی، این نکته نیز اثبات شد که نقض این قواعد، مسئولیت کیفری فردی مرتکب را به بار می‌آورد. به همین دلیل، حقوقدانان، اثبات وجود حقوق بشردوستانه عرفی اصیل و موثق قابل اجرا در حقوق مخاصمات غیر بین‌المللی را مرهون رأی ۱۹۵۵ دادگاه یوگسلاوی می‌دانند.

- ماده سه مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹:

مقررات ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ۱۹۴۹، شامل حال غیرنظامیان و کسانی است که سلاح را بر زمین گذارده‌اند. لذا این ماده هیچ حمایتی از نظامیان و رزمندگان را در بر نمی‌گیرد. در عین حال تصویب ماده ۳ مشترک را باید «تحویلی بنیادی» در حمایت از انسان به هنگام مخاصمات غیر بین‌المللی دانست، با آن که ماده ۳ مشترک یک متن قراردادی است ولی به لحاظ محتوا، در بردارنده قواعدی است که امروزه بخشی از حقوق بشردوستانه عرفی را تشکیل می‌دهد. رویه قضایی بین‌المللی در اثبات این ادعا سهم مؤثری دارد. رأی دیوان دادگستری بین‌المللی در قضیه نیکاراگوئه (۲۷ ژوئن ۱۹۸۶) تأثیر زیادی در تأیید عرفی بودن این ماده دارد به طوری که بنابر یک نظر، تعلق ماده سه مشترک به حقوق بشردوستانه عرفی به طور کامل پس از رأی دیوان در قضیه نیکاراگوئه تثبیت شد

(ممتاز و رنجبریان، ۱۳۸۴: ۶۷-۲۸).

- پروتکل دوم الحاقی (۱۹۷۷) ژنو:

در قیاس با ماده سه مشترک، پروتکل دوم الحاقی مقرراتی درباره هدایت عملیات جنگی و حمایت از رزمندگان دارد. علاوه بر این، سند مذکور، ماده ۳ مشترک را توسعه و تکمیل نموده است. مقدمه پروتکل دوم الحاقی ضمن یادآوری اینکه اصول بشردوستانه مذکور در ماده سه مشترک مبنای احترام به شخص انسان در مخاصمات مسلحانه‌ای است که جنبه بین‌المللی ندارند یادآوری می‌کند که اسناد بین‌المللی مربوط به حقوق بشر، حمایتی بنیادین از شخص انسان عرضه می‌دارد. بدین ترتیب پروتکل دوم، برای نخستین بار قابل استناد و اجرا بودن حقوق بشر در مخاصمات مسلحانه داخلی را به رسمیت می‌شناسد. حقوق تحت حمایت پروتکل دوم، همان حقوق بنیادینی است که در میثاق ۱۹۶۶ تحت حمایت قرار گرفته و لذا ادعای اینکه پروتکل دوم نیز بیانگر حقوق بین‌الملل عرفی است صحیح می‌باشد. رویه قضایی نیز عرفی بودن مقررات پروتکل دوم الحاقی را تأیید می‌کند. در قضیه تادیچ، دادگاه کیفری یوگسلاوی با اشاره به موضع دولت السالوادور در سال ۱۹۸۷ و نظریه مشاور حقوقی وزارت امور خارجه آمریکا، به صراحت نظر بر عرفی شدن مقررات پروتکل دوم داد (دلخوش، ۱۳۸۷: ۹۹۳-۹۸۷).

کنوانسیون چهارم ژنو نسبت به کنوانسیون اول و دوم و سوم مفصل‌تر بوده و شامل ۱۵۹ ماده می‌باشد. عناوین مورد بحث این کنوانسیون عبارتند از:

مقدمه، مقررات عمومی، حمایت کلی از جمعیت‌ها علیه نتایج جنگی خاص، وضعیت و رفتار با اشخاص حمایت شده، بیگانگان در قلمرو یک طرف مخاصمه، قلمروهای اشغال شده، مقررات برای حمایت از پناهندگان شامل مکان نگهداری، غذا و لباس و بهداشت، مذهب و فعالیت‌های فیزیکی و ذهنی، اموال شخصی و منابع مالی، اداره انتظامات، ارتباط با خارج، ضمانت اجراهای انتظامی و کیفری، انتقال پناهندگان، فوت، آزادی و بازگشتن به میهن و وسایل آسایش و رفاهی در کشور بی‌طرف، توقیف باید به محض اتمام مخاصمه پایان پذیرد، دفتر اطلاعات و آژانس مرکزی، اجرای کنوانسیون و مقررات نهایی.

اشخاصی که در هر موقع و به هر شکل در هنگام جنگ یا اشغال به دست دولت داخل در جنگ یا دولت اشغال‌کننده غیر از دولت متبوع خود می‌افتند تحت حمایت این کنوانسیون قرار دارند (ماده ۴). البته افرادی که دلایل جدی بر مضر بودن آنها نسبت به امنیت آن کشور وجود دارد نمی-

توانند از حقوق و امتیازات این کنوانسیون بهره‌مند شوند (ماده ۵). مقررات حمایتی این کنوانسیون مجموع اهالی کشورهای در حال جنگ را بدون تبعیض از حیث نژاد، مذهب و عقیده سیاسی، در جهت تخفیف مشکلات و مصائب ناشی از جنگ شامل می‌شود (ماده ۱۳). زخمیان، بیماران، معلولان و زنان باردار (ماده ۱۶) و نیز بیمارستان‌ها و زایشگاه‌ها مورد توجه و حمایت ویژه قرار دارند (ماده ۱۷ تا ۲۰).

دول متخاصم باید توجه ویژه به در جهت حمایت از کودکان کمتر از ۱۵ سال که به خاطر جنگ یتیم شده‌اند داشته باشد (ماده ۲۴) به هر روی تمام اشخاص مورد حمایت باید از احترام نسبت به شخص خود و خانواده و احترام به اعتقادات و اعمال مذهبی و عادات و رسوم برخوردار باشد (ماده ۲۷). تنبیه شخص مورد حمایت برای خلافی که شخصاً مرتکب شده و همچنین تنبیه جمعی ممنوع است (ماده ۳۳).

ایراد فشار جسمی و روحی برای کسب اطلاعات (ماده ۳۱) و اجبار افراد به کار جز به میزان معمول درباره اتباع دولت متخاصم محل اقامت ممنوع است (ماده ۴۰).

کمیسیون همچنین به تفصیل به مسأله بازداشت و محاکمه افراد کشور در زمان اشغال پرداخته و مقررات حمایتی در زمینه رفتار با بازداشتیان و اماکن بازداشت، غذا و پوشاک بازداشتیان و مسائل بهداشتی و طبی آنان و مذهب و فعالیت‌های فکری و جسمانی و اموال شخصی و منابع مالی، روابط آنان با خارج، مجازات‌های جزایی و انتظامی و انتقال و فوت بازداشتیان مقرر داشته است.

اعمال جنگی را هر کس نمی‌تواند انجام دهد. حقوق بین‌الملل بین رزمندگان و غیر رزمندگان تفاوت قائل شده است. به موجب حقوق بین‌الملل فقط رزمندگان برای اعمال خصمانه (جنگی) صاحب صلاحیت هستند و طرف مقابل در برابر حمله حریف می‌باشد، شکی نیست که رزمندگان در قبال این وضع از حقوق مربوط به زندانیان جنگی در صورت اسارت بهره‌مند می‌گردند اما غیر نظامیان باید از اعمال خصمانه (جنگی) خودداری نمایند و چون در جنگ شرکت ندارند، دشمن باید حقوق آنان را محترم شمارد. مقدمه عهدنامه ۴ لاهه مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷ یادآور می‌گردد که چنانچه مقررات مجری بین طرف‌های درگیر و این عهدنامه چیزی پیش بینی ننموده باشد، اهالی غیر نظامی و متخاصمین تحت حمایت و حاکمیت اصول حقوق بشر آن طور که از عادات معمول بین ملل متمدن و قوانین بشری و اقتضائات وجدان عمومی مستفاد می‌شود، قرار خواهند گرفت. اصول مذکور (تفکیک بین رزمندگان و غیر آن) الهام بخش کنوانسیون ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ راجع به حمایت

از افراد غیر نظامی در زمان جنگ نیز بوده است (همان، ۱۳۸۹: ۳۳-۲۸).

۲،۴. تفاوت‌های میان مقررات حقوق بشردوستانه در مخاصمات بین‌المللی و غیربین‌المللی

- مخاصمات مسلحانه بین‌المللی موضوع کنوانسیون‌های چهار گانه ژنو و پروتکل اول الحاقی هستند. بر اساس ماده ۲ کنوانسیون‌های اول، دوم و سوم و نیز ماده یک پروتکل اول الحاقی، این مقررات شامل هر جنگ اعلام شده یا هر درگیری مسلحانه دیگر میان دو یا چند عضو کنوانسیون-های ژنو و پروتکل اول می‌باشد. همچنین درگیری‌های مسلحانه‌ای که در آن، مردم در اجرای حق تعیین سرنوشت خود بر علیه سلطه استعماری و اشغال بیگانه و علیه رژیم‌های نژادپرست می‌جنگند نیز شامل این مقررات می‌باشند. در حالی که در مخاصمات غیر بین‌المللی ممکن است اصولاً هیچ کدام از طرفین متخاصمین، «دولت» به معنای حقوق بین‌المللی نبوده و هر دو طرف متخاصمه (یا طرف‌های متعدد آن) گروه‌های غیردولتی در داخل قلمرو یک کشور باشند.

- نهضت‌های آزادیبخش علی‌رغم اینکه واجد ویژگی‌های مخاصمات غیر بین‌المللی می‌باشند لیکن مقررات بشردوستانه ناظر بر این نوع مخاصمات داخل پروتکل اول (ماده ۲ کنوانسیون‌های اول، دوم، سوم و ماده اول پروتکل اول) گنجانده شده است.

- در متخاصمه بین‌المللی به محض بروز متخاصمه، حقوق بشردوستانه (مقررات کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹) و پروتکل اول الحاقی قابل اجراست و هیچ شرطی برای لازم‌الاجراشدن این مقررات لحاظ نگردیده است ولی در متخاصمه غیر بین‌المللی بنا بر ماده ۳ مشترک، شروطی برای اجرای مقررات پروتکل دوم وجود دارد (متخاصمه‌ای مشمول مقررات حقوق بشردوستانه غیر بین‌المللی می‌باشد که اولاً طرف غیردولتی بر بخشی از سرزمین کنترل داشته و ثانیاً طرف متخاصم مزبور امکان و قدرت اجرای مفاد پروتکل را دارا باشد.

- در متخاصمه بین‌المللی، اصل لزوم رعایت مفاد کنوانسیون‌های چهارگانه و پروتکل اول از سوی طرف‌های متخاصم به صورت صریح ذکر شده اما در پروتکل دوم الحاقی (مخاصمات غیر بین‌المللی) ماده خاصی در خصوص لزوم رعایت مقررات توسط گروه‌های غیردولتی متخاصم (شورشیان) وجود ندارد (هر چند این تصریح در ماده سه مشترک وجود دارد).

- در مخاصمات غیر بین‌المللی (ماده ۴ پروتکل دوم)، استخدام کودکان کمتر از ۱۵ سال در گروه‌های مسلح ممنوع می‌باشد. این ممنوعیت شامل مشارکت مستقیم و غیرمستقیم در جنگ می‌باشد اما در مخاصمات بین‌المللی (ماده ۷۷ پروتکل اول) این ممنوعیت، تنها در مشارکت مستقیم

کودکان وجود دارد. کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) نیز در ماده ۳۸ از مقررات پروتکل اول تبعیت نموده و مشارکت دادن مستقیم کودکان در جنگ را ممنوع اعلام نموده است. مجمع عمومی سازمان ملل نیز در پروتکل اختیاری مربوط به کنوانسیون حقوق کودک راجع به دخالت کودکان در مخاصمات مسلحانه (۲۵ می ۲۰۰۰) دولت‌ها را مکلف نموده تا اعضای نیروهای مسلح آنان که به سن ۱۸ سالگی نرسیده‌اند در منازعات مسلحانه به طور مستقیم مشارکت داده نشوند. بعبارت دیگر، دولت‌ها می‌توانند افراد زیر ۱۸ سال را به استخدام قوای مسلح در آورند و تنها مجاز به مشارکت دادن مستقیم آنها در مخاصمات نیستند.

- در مقررات ناظر بر حقوق مخاصمات غیر بین‌المللی (پروتکل دوم)، ماده‌ای مخصوص راجع به حمایت از زنان وجود ندارد اما در مقررات مخاصمات بین‌المللی، ماده ۷۶ پروتکل اول اختصاص به این موضوع دارد. عدم ذکر صریح مقررات مربوط به حمایت از زنان در مقررات مخاصمات غیر بین‌المللی به معنای عدم توجه به این موضوع در مخاصمات غیر بین‌المللی نیست. در بند ۲۴ ماده پروتکل دوم الحاقی، بدون آنکه از زنان اسمی برده شود اعمالی ممنوع اعلام شده است که بیشترین قربانی را از بین زنان می‌گیرد. در این ماده اعمالی از قبیل «هتک حرمت به شأن انسانی، رفتارهای تحقیرآمیز جنسی، تجاوز به عنف، فحشای اجباری و هر نوع اهانت و تعرض بی‌شرمانه در هر زمان و مکان» ممنوع اعلام گردیده است. در ماده ۵ پروتکل دوم مقرر گردیده است تا زنان بازداشت شده در زمان مخاصمه باید در بندهای جدای از مردان و تحت نظارت مستقیم زنان نگهداری شوند.

- در ماده ۳ مشترک (مخاصمات غیر بین‌المللی)، نحوه رفتار با شورشیان اسیر شده توسط دولت مشخص نشده است اما در خصوص اسرای مخاصمات بین‌المللی، کنوانسیون سوم ژنو در ماده ۴ مقررات خاص این افراد را بیان نموده است. البته در مورد سرنوشت اسرای مخاصمات غیر بین‌المللی کمیته صلیب سرخ در بیست و یکمین کنفرانس خود در استانبول (۱۹۶۹) قطعنامه شماره ۱۸ را با عنوان وضعیت رزمندگان در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی تصویب کرد (ممتاز و رنجریان، ۱۳۸۴: ۳۵-۱۹۲).

- در مخاصمات غیر بین‌المللی، در خصوص دسترسی آزادانه به کمک‌های انسان دوستانه (در ماده ۳ مشترک) ماده خاصی وجود ندارد ولی در ماده ۲۳ کنوانسیون چهارم حمایت از افراد غیر نظامی در زمان جنگ (مخاصمه بین‌المللی) و نیز مواد ۶۹ و ۷۰ پروتکل اول این حق مورد شناسایی قرار گرفته است.

۴,۹. در مخاصمات غیربین‌المللی هیچ مقرراتی در خصوص شیوه‌های جنگی (تعهد به رعایت ممنوعیت‌ها در انتخاب ابزار و شیوه‌های نبرد) تدوین نشده است اما در پروتکل اول، مجموعه مقررات مفصلی به شیوه‌های جنگی در مخاصمات بین‌المللی (حمایت از سکنه غیرنظامی و اموال غیرنظامی در برابر مخاصمه) تدوین شده است. البته نبود مقررات مذکور در پروتکل دوم هیچ خللی بر ماهیت عرفی قواعد مربوط به نحوه نبرد در مخاصمات غیر بین‌المللی وارد نمی‌سازد. به عنوان نمونه پروفیسور ایی صعب بر لزوم رعایت قواعد مربوط به نحوه نبرد در مخاصمات داخلی اشاره می‌کند و دیوان کیفری یوگسلاوی نیز در ۱۹۵۵ وجود قواعد عرفی را در خصوص روش‌ها و ابزار نبرد در مخاصمات داخلی محرز دانست. همچنین در رأی شعبه تجدیدنظر دادگاه یوگسلاوی سابق (رأی ۱۹۹۵ تادیج) اعلام شد که «اجماع بین‌المللی حاصل شده است که استفاده از سلاح شیمیایی در مخاصمات مسلحانه داخلی هم ممنوع می‌باشد».

- منع و محدودیت استفاده از بعضی سلاح‌های متعارف که موجب جراحت بیش از حد می‌شوند (موضوع کنوانسیون ۱۹۸۰) بر اساس ماده یک کنوانسیون، فقط در مخاصمات بین‌المللی اجرا می‌شوند.

- در مخاصمات غیربین‌المللی (در پروتکل دوم) در خصوص مراقبت از اشیا و اموال غیرنظامیان مقرراتی وجود ندارد اما در پروتکل اول (مخاصمات بین‌المللی) این مقررات موجود می‌باشد. شایان ذکر اینکه در ماده ۱۶ پروتکل دوم تنها به بیان مقرراتی در خصوص محافظت از اموال فرهنگی و اماکن عبادی پرداخته شده است (Meron, 1995: 500-550).

- نظام تعقیب کیفری ناقضان حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه تنها در کنوانسیون‌های چهارگانه و پروتکل اول الحاقی باقی ماند (تنها در مخاصمات بین‌المللی) و قاعده معروف «یا محاکمه یا استرداد» در مورد مرتکبین تخلفات در مخاصمات داخلی حاکم نیست. از اینرو در حالیکه در ماده ۵۰ از کنوانسیون اول، ماده ۵۱ کنوانسیون دوم، ماده ۱۳۰ کنوانسیون سوم، ماده ۱۴۷ کنوانسیون چهارم ژنو و نیز مواد ۱۱ و ۸۵ پروتکل اول الحاقی مقررات مربوط به مجازات ناقضان مقررات این کنوانسیون‌ها ذکر شده است، پروتکل دوم الحاقی (ناظر بر مخاصمات غیر بین‌المللی) فاقد ترتیباتی برای محاکمه و مجازات متهمان به نقض مقررات این پروتکل می‌باشد. البته با اینکه در مخاصمات غیر بین‌المللی، مقرراتی در خصوص مسئولیت کیفری افراد وجود ندارد اما این موضوع مانع مسئولیت افراد در مخاصمات داخلی نمی‌شود. مقررات ماده ۳ مشترک و پروتکل دوم الحاقی که اصل «رفتار انسانی» را بیان می‌کنند همان اصل کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو می‌باشد.

- میزان اختیارات کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در مخاصمات بین‌المللی بسیار زیاد است (مواد ۱۰، ۹ و ۱۱ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه، کمیته را هم پایه یا جانشین دولت‌ها در انجام وظیفه بشردوستانه می‌داند. ماده ۱۲۶ کنوانسیون سوم و ماده ۱۴۳ کنوانسیون چهارم، کمیته را صاحب حق ورود به کلیه اماکن اقامت اسیران جنگی و اشخاص محروم از آزادی و صحبت آزادانه (بدون شاهد) می‌داند. همچنین سایر مواد کنوانسیون‌های چهارگانه و پروتکل اول موقعیت ویژه‌ای برای کمیته می‌شناسند اما در مخاصمات داخلی، کمیته مقررات خاصی برای دخالت ندارد. تنها در ماده ۳ مشترک اشاره شده است که به هنگام مخاصمات داخلی، کمیته می‌تواند پیشقدم شود و خدمات بشردوستانه-اش را ارائه نماید.

- قواعد و مقررات مربوط به حقوق بی‌طرفی در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی دارای مبانی عرفی و معاهده‌ای می‌باشد در حالیکه در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی چنین مبانی وجود ندارد. بر همین مبنا، مقررات ناظر بر حقوق بی‌طرفی تنها در مقررات مربوط به حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی (عهدنامه پنجم لاهه، ۱۹۰۷) وجود دارد و اثری از آن در مقررات مربوط به مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی دیده نمی‌شود.

- مقررات مربوط به تحقیق درباره تخلفات صورت پذیرفته در حین مخاصمات بین‌المللی در کنوانسیون‌های چهارگانه و پروتکل اول موجود می‌باشد. بنابر ماده ۵۲ کنوانسیون اول، ماده ۵۳ کنوانسیون دوم، ماده ۱۳۲ کنوانسیون سوم، ماده ۱۴۹ کنوانسیون چهارم و ماده ۹۰ پروتکل اول الحاقی، کمیسیون بین‌المللی تحقیق درباره هرگونه ادعای نقض کنوانسیون‌ها و بنابر تقاضای یکی از متخاصمان تشکیل خواهد شد. اما کنوانسیون بین‌المللی تحقیق در اولین نشست خود در مارس ۱۹۹۲ در خصوص مخاصمات داخلی اعلام کرد: برای تحقیق در مخاصمات داخلی، توافق همه طرف‌های مخاصمه شرط است.

- با توجه به اینکه بر اساس اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، این دیوان صلاحیت رسیدگی به جرایم چهارگانه «جنایات علیه بشریت»، «جنایات کشتار جمعی»، «جنایات جنگی» و «تجاوز» را دارد به نظر می‌رسد جنایاتی که در چارچوب «تجاوز» صورت می‌پذیرد، تنها در مخاصمات بین‌المللی قابل پیگیری می‌باشد البته این در صورتی است که در حین جنایت تجاوز، جرایم سه‌گانه دیگر اتفاق نیافتد و در غیر این صورت تفاوتی در صلاحیت دیوان برای رسیدگی این جرایم در جریان مخاصمات بین‌المللی و غیر بین‌المللی نخواهد بود.

- در جنایت نسل کشی، ماده ۲ کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت نسل کشی، ارتکاب جنایت به دلیل قومی، ملیتی، نژادی و یا مذهبی را مشمول تعریف خود می‌داند و اگر در جریان یک مخاصمه غیر بین‌المللی، مرتکبان این جنایت و قربانیان هر دو از یک ملت و گروه نژادی باشند، داخل در جنایات نسل کشی تحت صلاحیت رسیدگی دیوان کیفری بین‌المللی نخواهد بود (هر چند شاید در تعریف جنایت علیه بشریت واقع شده و تحت صلاحیت دیوان قرار گیرد) در حالیکه این فرض در مخاصمات بین‌المللی مطرح نمی‌باشد (دیپیم، ۱۳۸۴: ۱۲۹-۱۲۰).

۲.۵. اشتراکات موجود میان مقررات حقوق بشر دوستانه در مخاصمات بین‌المللی و غیر بین‌المللی

- هر دو گروه از مقررات (در مخاصمات بین‌المللی و غیر بین‌المللی)، دارای مبنای عرفی می‌باشند. چنین تکالیفی در حقوق مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی از طبیعت حقوقی بیشتر مقررات بشردوستانه نشأت می‌گیرد. به خصوص ماده ۳ مشترک که طبعی فراگیر و جهانی دارد. تعهد شورشیان به رعایت مقررات ماده ۳ مشترک، لازمه ذات و جوهره آن به نظر می‌آید که در بردارنده حقوق بنیادین است و هیچ کس مجاز به نقض آن نیست تا جایی که این ماده را حاوی قواعدی از نوع آمره می‌دانند.

- هر دو گروه از مقررات، دارای مبنای عهدنامه‌ای می‌باشند. مقررات ۱۹۰۷ لاهه، کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل اول ۱۹۷۷ الحاقی به عنوان مبنای معاهده‌ای حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل دوم الحاقی به عنوان مبنای معاهده‌ای حقوق مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی محسوب می‌شوند.

- هر دو گروه از مقررات، بر اساس قاعده بنیادین «رفتار منطبق با اصول انسانیت با کسانی که در جنگ شرکت ندارند» می‌باشند.

- هر دو گروه از مقررات، مفاهیم مشترک با میثاق حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ دارند.

- در هر دو گروه از مقررات، هدف نهایی «رعایت حرمت انسان‌ها» می‌باشد (به دلیل تقارب زمانی تصویب اعلامیه حقوق بشر در ۱۹۴۸ و کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو) و به همین دلیل، پیوندی وثیق در ماهیت هر دو گروه از این مقررات موجود است.

- در ماده ۳ مشترک (مخاصمه غیر بین‌المللی) پیش‌بینی شده است که متخاصمان می‌توانند با انعقاد موافقتنامه‌ای خاص، تمام یا قسمتی از سایر مقررات کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو را در روابط خود اعمال نمایند.

- مقدمه پروتکل دوم، قابل استناد بودن حقوق بشر در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی را همانند مخاصمات بین‌المللی به رسمیت می‌شناسد.
- ممنوعیت حمله به افراد غیرنظامی یکی از قواعد حقوق بین‌الملل عرفی ناظر بر هدایت عملیات جنگی است که هم در پروتکل اول و هم در پروتکل دوم (بند ۲ ماده ۱۳) بیان گردیده است.
- شرط مارتس (حمایت از انسان‌ها مطابق آنچه که اصول انسانیت و وجدان عمومی حکم می‌کند) هم در مقدمه پروتکل دوم آمده و هم در کنوانسیون‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه بیان گردیده است.
- در ماده ۳ مشترک، اصل منع گروگانگیری به تبعیت از ماده ۳۴ کنوانسیون چهارم ژنو در خصوص حمایت از غیرنظامیان در زمان جنگ بیان شده است.
- ماده ۳ مشترک، اصل تعهد به جمع‌آوری بیماران و زخم‌داران و مراقبت پزشکی از آنان را به تبعیت از ماده ۴۰ کنوانسیون دوم ذکر کرده است.
- قطعنامه ۲۳ کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر (تهران-۱۳۴۷) با عنوان رعایت حقوق بشر در حین مخاصمات مسلحانه (بدون قائل شدن تفاوت بین مخاصمه داخلی و بین‌المللی) اصول کلی لازم‌الاجرا در مخاصمات را بیان می‌نماید (دلخوش، ۱۳۸۷: ۱۰۰۲-۱۰۰۰).
- قطعنامه ۲۶۷۵ مورخ ۱۹۷۰ با عنوان اصول بنیادین و مشترک مربوط به حمایت از جمعیت غیرنظامی در زمان مخاصمات مسلحانه را بدون تفکیک مخاصمات بین‌المللی از غیر بین‌المللی بیان می‌نماید.
- بر اساس رأی مشورتی ۱۹۹۶ دیوان بین‌الملل دادگستری در پاسخ به سؤال مجمع عمومی درباره مشروعیت تهدید یا استفاده از سلاح هسته‌ای، شرایط مندرج در بند یک از ماده ۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی (استثنای مربوط به اوضاع فوق‌العاده در کشور) حمایت‌های موردنظر میثاق نسبت به شهروندان را در زمان جنگ (اعم از بین‌المللی و غیر بین‌المللی) در بر نمی‌گیرد.
- ماده ۶ پروتکل دوم و ۷۶ پروتکل اول در خصوص حمایت از زنان و منع اعدام زنان باردار یا زنان خردسال، مشترک می‌باشد.
- قطعنامه ۱۸ کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در اجلاس ۲۱ خود در استانبول (۱۹۶۹) وضعیت رزمندگان اسیر شده در مخاصمات داخلی را مشمول مقررات اسرا در مخاصمات بین‌المللی (کنوانسیون سوم ژنو) دانسته است.
- بند یک از ماده ۵ پروتکل دوم برای اشخاص دستگیر شده در مخاصمات داخلی شرایطی نظیر اسرای جنگی (از حیث حق بر نوشتن نامه، ارسال کارت پستال، تغذیه مناسب، آب آشامیدنی)

در نظر گرفته است.

- ماده ۱۴ پروتکل دوم مشابه مواد ۶۹ و ۷۰ پروتکل اول، گرسنه نگاه داشتن غیرنظامیان را به عنوان روش جنگی ممنوع اعلام نموده است.
- حق متهم برای محاکمه در یک دادگاه مستقل و بی طرف در ماده ۸۴ کنوانسیون سوم، ماده ۷۵ پروتکل اول الحاقی و پاراگراف دوم از ماده ۶ پروتکل دوم الحاقی شناسایی شده است.
- حق متهم در تفهیم اتهام فوری در ماده ۱۰۴ کنوانسیون سوم، ماده ۷۱ کنوانسیون چهارم، ماده ۷۵ پروتکل اول الحاقی و پاراگراف دوم از ماده ۶ پروتکل دوم الحاقی پیش‌بینی شده است.
- حق برخورداری از اسباب دفاع برای متهم نظیر حق معاضدت توسط یک وکیل مجرب که خود انتخاب می‌کند و نیز حق برخورداری از یک مترجم ذیصلاح در مواد ۹۹ و ۱۰۵ کنوانسیون سوم، ۷۲ و ۷۴ کنوانسیون چهارم، ماده ۷۵ پروتکل اول الحاقی و بند ب از پاراگراف دوم ماده ۶ پروتکل دوم الحاقی اعلام گردیده است.
- اصل مسئولیت کیفری فردی در ماده ۸۷ کنوانسیون سوم، ماده ۳۳ کنوانسیون چهارم، ماده ۷۵ پروتکل اول الحاقی و بند ب از پاراگراف دوم ماده ۶ پروتکل دوم الحاقی عنوان شده است.
- اصل قانونی بودن جرم در پاراگراف اول ماده ۹۹ کنوانسیون سوم، ماده ۶۷ کنوانسیون چهارم، بند سوم از پاراگراف چهارم ماده ۷۴ پروتکل اول الحاقی و بند سوم از پاراگراف دوم ماده ۶ پروتکل دوم الحاقی شناخته شده است.
- اصل برائت در بند د پاراگراف چهارم ماده ۷۵ پروتکل اول الحاقی و بند د پاراگراف دوم از ماده ۶ پروتکل دوم الحاقی موجود می‌باشد.
- حق متهم برای حضور در محاکمه خود در پاراگراف چهارم از ماده ۷۵ پروتکل اول الحاقی و پاراگراف دوم از ماده ۶ پروتکل دوم الحاقی شناسایی شده است. حق متهم به عدم ادای شهادت علیه خود و یا عدم اعتراف به جرم در پاراگراف ۴ از ماده ۷۵ پروتکل اول و پاراگراف دوم از ماده ۶ پروتکل دوم الحاقی اعلام گردیده است. حق متهم برای تقاضای تجدیدنظر در ماده ۱۰۶ کنوانسیون سوم، ماده ۷۳ کنوانسیون چهارم، پاراگراف چهارم از ماده ۷۵ پروتکل اول الحاقی و پاراگراف سوم از ماده ۶ پروتکل دوم الحاقی موجود می‌باشد. ممنوعیت محکومیت و اعدام بدون اعلام حکم در دادگاهی که کلیه تضمین‌های قضایی را که توسط ملل متمدن ضروری است داشته باشد در ماده ۳ مشترک آورده شده است.

- منع گسترش، تولید، انباشت و بکارگیری سلاح‌های شیمیایی و انهدام آن (مصوب ۱۹۹۳ پاریس) بر اساس رأی دادگاه شعبه تجدید نظر دیوان کیفری یوگسلاوی (رأی تادیب) در هر دو نوع مخاصمه بین‌المللی و غیربین‌المللی موجود است.

- پروتکل اول در ماده ۵۱ و پروتکل دوم در بند ۲ ماده ۱۳ جمعیت غیرنظامی را تحت حمایت کلی قرار داده‌اند.

- کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه، بناهای تاریخی، آثار هنری و مکان‌های عبادی را به هنگام مخاصمات بین‌المللی (و ماده ۱۹ آن حمایت از این بناها را در مخاصمات غیربین‌المللی) تحت حمایت قرار داده است (دیپیم، ۱۳۸۴: ۱۴۰-۱۵۰).

نتیجه‌گیری

متأسفانه علیرغم ایجاد مسئولیت حقوقی برای دولت‌ها و نیز قواعدی که وضعیت حقوق غیرنظامیان را در مناطق مخاصمه مشخص می‌کنند در حقوق بین‌الملل بشردوستانه وجود دارد لیکن هنوز شاهد کاهش بروز خسارات و ایجاد محیط امن برای غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی نیستیم. تفاوتی میان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی در مورد روش‌ها و حضور غیرنظامیان در جنگ نمی‌باشد و مسئولیت حقوقی بشردوستانه دولت‌ها بر اساس عملکرد آنها نشانگر رفتار یکپارچه دولت‌ها با اشخاص غیرنظامی در قالب غیرنظامیان در نظر گرفته می‌شود و در واقع مقررات بین‌المللی در مخاصمات مسلحانه قابلیت اجرا شدن در مخاصمات مسلحانه داخلی دولت‌ها را نیز در قالب مسئولیت حقوقی دارا می‌باشد. بنابراین، دولت‌ها نمی‌بایستی بدون شناسایی غیرنظامیان در جنگ به آنها حمله کرده و خسارت وارد آورند و مسئولیت حقوقی بین‌المللی بشردوستانه را نقض نمایند و تنها در صورتی می‌توانند اقدام به حمله نمایند که غیرنظامیان به صورت مستقیم در عملیات خصمانه شرکت نموده و عملی خلاف قواعد مرتکب شده باشند. در این خصوص پروتکل الحاقی شماره یک در راستای حمایت از غیرنظامیان به این نکته مهم توجه نموده است و در واقع مشارکت مستقیم غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه دولت‌های نفی‌کننده مسئولیت حقوقی بشردوستانه آنها می‌باشد. به منظور حمایت و حفاظت از جمعیت‌های غیرنظامی و نیز اهدافی که به شکل غیرنظامی وجود دارند از جمله غیرنظامیان، می‌بایستی میان افراد مشارکت‌کننده در جنگ و افرادی که در مخاصمات مسلحانه مشارکت نمی‌نمایند تفکیک قائل شد. دولت‌ها

مطابق این اصول نمی‌بایستی افراد غیرنظامی را مورد آماج حملات خود قرار داده و در هیچ زمانی نمی‌بایستی از اسلحه‌هایی استفاده شود که دارای دقت مطلوب نبوده و اهداف غیرنظامی را نیز با اهداف نظامی بدون در نظر گرفتن تفکیک و به شکل همزمان از بین ببرند و به آنها خسارت وارد نمایند. تحمیل نمودن رنج و آلام به صورت غیر ضرور به افراد شرکت کننده در جنگ به شدت ممنوع می‌باشد و استفاده از اسلحه‌هایی که پیامد های ناگوار به همراه دارند و یا اینکه به شیوه غیر هدفمند و کنترل نشده باعث افزون شدن تنگنا بر رزمندگان می‌گردند ممنوع می‌باشد، چرا که دولت‌ها نمی‌توانند در انتخاب اسلحه‌ها در جنگ محدودیت‌های حقوقی را نادیده بگیرند. مطابق اصول بنیادین حقوق بشردوستانه، استفاده از برخی از تسلیحات جنگی خاص دارای محدودیت، هم به لحاظ تأثیرات منفی بسیاری که بر افراد غیرنظامی و مشارکت کنندگان در جنگ گذاشته و هم به لحاظ ورود آوردن رنج و درد غیر ضروری و همچنین به لحاظ مسئولیت حقوقی در عرصه بین‌الملل برای دولت‌ها می‌باشد، ممنوع اعلام شده است. به بیان دیگر، مطابق اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه چنانچه به لحاظ مسئولیت حقوقی استفاده از ابزار نبرد و یا تهدید به آن که مورد تأیید این اصول نباشد مردود اعلام شود، هر گونه خسارت وارده به افراد در جهت نیل به اهداف نظامی از این طریق مشروعیت نداشته و برخلاف قواعد و حقوق بشردوستانه می‌باشد.

با بررسی تطبیقی حقوق بشردوستانه غیرنظامیان در مواضع مسلحانه بین‌المللی و غیرین-المللی، بحث از ضمانت اجرا در حقوق بشردوستانه ناظر به واکنشی است که در برابر نقض این قواعد صورت می‌گیرد. دولت‌ها نباید طرفین یک مواضع مسلحانه را و طرفین یک مواضع نباید یکدیگر را به نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه تشویق نمایند بلکه باید متوقف ساختن اقدامات ناقض حقوق مزبور را تا حد ممکن وجهه همت خویش قرار دهند. این قاعده نه تنها از منطوق ماده ۱ مشترک مبنی بر تضمین اجرا به دست می‌آید بلکه ماده ۸۹ پروتکل الحاقی اول در این زمینه اشعار می‌دارد که بر اساس منشور، دول عضو متعهدند که در صورت نقض فاحش پروتکل، مشترکاً یا منفرداً با سازمان ملل متحد همکاری کنند.

منابع

- اقبال، کیوان (۱۳۸۸). تحولات اخیر در اصل تفکیک بین رزمندگان و غیرنظامیان در حقوق مخاصمات مسلحانه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- پورمحمدی، نعمت‌الله (۱۳۸۵). حقوق بشردوستانه در جنگ ایران و عراق؛ مرور رفتار عراق، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه.
- توکلی طوسی، علی؛ منصور، فرنگیس؛ رضایی، محمدتقی و حبیب زاده، توکل (۱۳۹۲). مسئولیت بین‌المللی دولت‌های ثالث ناشی از نقض حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه داخلی، حقوقی بین‌المللی، ۳۰(۴۹)، ۶۱-۹۶.
- دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشردوستانه (۱۳۸۳). رعایت حقوق بشردوستانه بین‌المللی، ترجمه کمیته ملی حقوق بشردوستانه، تهران.
- دلخوش، علیرضا (۱۳۸۷). حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی، سیاست خارجی، ۲۲(۴)، ۹۸۱-۱۰۰۴.
- دبیرخانه، علیرضا (۱۳۸۰). درآمدی بر حقوق کیفری بین‌المللی، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
- راجرز، آنتونی و پل مالرب (۱۳۸۲). قواعد کاربردی حقوق مخاصمات مسلحانه، ترجمه کمیته ملی حقوق بشردوستانه، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- روسو، شارل (۱۳۶۹). حقوق مخاصمات مسلحانه، ترجمه سیدعلی هنجنی، تهران، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی.
- سید فاطمی، سیدمحمد قاری (۱۳۸۸). حقوق بشر در جهان معاصر، تهران، انتشارات شهر دانش.
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۲). حقوق بشر، حقوق بشردوستانه و حقوق بین‌الملل بشر، بررسی تحولات اخیر حقوق بشر دوستانه بین‌المللی، دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشر دوستانه، نشر نسیم.
- طاهر کنعانی، محمد (۱۳۸۵). حقوق بین‌الملل بشردوستانه ناظر بر حمایت از افراد در درگیری‌های مسلحانه (مجموعه اسناد ژنو)، تهران، کمیته ملی حقوق بشر دوستانه.
- عباسی سرمدی، مهدی (۱۳۸۹). جزوه کلاسی درس مخاصمات مسلحانه، نیمسال اول تحصیلی.
- محمدرضائی، علیرضا؛ مرادی، مریم و عسکرخانی، ابومحمد (۱۳۹۹). رویکرد حقوق بشر و حقوق بشردوستانه برای حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و تبیین جامعه‌شناختی آن، جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۳(۱)، ۲۷۶-۲۹۰.

ممتاز، جمشید و رنجبریان، امیرحسین (۱۳۸۴). حقوق بین‌الملل بشردوستانه مخاصمات مسلحانه داخلی، تهران، نشر میزان.

منصوری، فرنگیس (۱۳۹۴). مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از نقض حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه داخلی با تأکید بر مسئولیت فراملی، رساله دکتری دانشگاه پیام نور استان تهران.

Sassoli, Marco. (2002) State Responsibility for Violation of International Humanitarian Law, *International Review of Red Cross*. vol. 84. No. 841.

Schindler, Dietrich (1982). *International Humanitarian Law and Internationalized Armed Conflicts*, *International Review of the Red Cross*, Vol. 22, No. 230.

U.N. Y.I.L.C, (2001) op. cit., Commentary Art. 8, paras. 1, 2.

Verhoeven, Sten (2007). *International and Non-international Armed Conflict*, Institute for International law-working paper, No. 107.